

## چهار دلیل برای دوست‌داشتن خروس کلاه‌مخملی\*

### ● انسیبه موسویان

خروس کلاه‌مخملی، مجموعه هشت شعر کوتاه است که شکوه قاسم‌نیا، برای خردسالان (گروه سنی «الف» و «ب») سروده و علی‌خدایی هم آن را تصویرگری کرده است. در ذیل، به نکاتی اشاره می‌کنیم که شاید از نظر و دیدگاه مخاطب، یعنی همان کودک گروه «الف» و «ب»، کتاب را به مجموعه‌ای دوست‌داشتنی و خوب تبدیل کرده است و در انتها چند دلیل برای دوست‌داشتن آن بر خواهیم شمرد.

### ۱- وزن و موسیقی شعر

در شعرهایی که برای خردسالان سروده می‌شود، وزن و آهنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وزن‌های شاد و ریتم‌های تند و ترانه‌گون و کوتاه، علاوه بر این که سبب می‌شود کودک از شعر لذت شنیداری کسب کند، هیجان او را نیز برمی‌انگیزد و به علاوه به کودک کمک می‌کند تا شعر را سریع‌تر و راحت‌تر به حافظه بسپارد و حتی با آهنگ بخواند. تمام سروده‌های این کتاب، به لحاظ وزن دارای این ویژگی هستند:

مشغول دوخت و دوزه	خرگوشه خیاط شده
مدرسه‌اش تو جنگله	گرچه سیاهه تنبله
گل می‌کاره تو گلدون	مورچه شده باغبون
باری که داره سنگینه	الاغه خیلی غمیگنه

---

\* کتاب ماه کودک و نوجوان، سال دوازدهم، شماره ۱۳۷، اسفند ۱۳۸۷. نوشتار حاضر نقدی است بر کتاب خروس کلاه‌مخملی؛ سروده شکوه قاسم‌نیا؛ تهران: کتاب‌های ارغوانی، ۱۳۸۷.

## ۲- این جانوران دوست داشتنی!

شعرها و قصه‌هایی که شخصیت اصلی آن حیوانات و جانوران هستند، از محبوبیت خاصی در بین کودکان برخوردارند. کودکان به همان اندازه که خرس‌ها، خرگوش‌ها، بچه‌گربه‌ها و موش‌های عروسکی خود را دوست دارند، از شعرهایی که درباره این موجودات سروده شوند و یا قهرمانان اصلی شعر این حیوانات باشند، لذت می‌برند. به علاوه، حیوانات (مخصوصاً در ادبیات کهن) نماد و سمبلی از انسان‌ها و زندگی واقعی آنها هستند. به همین دلیل، یکی از روش‌های آموزش مسائل اخلاقی و رفتارهای اجتماعی به شکل غیر مستقیم، از طریق سرودن شعرهای این چینی و نشان دادن ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، در قالب شخصیت جانوران است.

در این کتاب نیز شاعر برای نشان دادن صفات پسندیده اخلاقی و نکوهش رفتارهای نادرست، از جانوران سودجسته است. هر کدام از این موجود است، با یک صفت توصیف شده‌اند. به عناوین شعرها دقت کنید:

خرگوش خیاط، خرچنگ پُر رو، قورباغه عینکی، خروس کلاه مخملی، الاغ غمگین، تنبل و... شاعر آنجا که می‌خواهد درباره مضرات تنبلی و ناپسندی آن صحبت کند، از خرس تنبل سخن می‌گوید:

خرس سیاه تنبل                      نه کفش داره نه صندل

چون که همیشه خوابه              راه نمی‌ره تو جنگل

(شعر خرس خوابالو)

هنگامی که می‌خواهد در نکوهش خودپسندی سخن بگوید، درباره خرچنگ می‌گوید:

چه رویی داره خرچنگ!              با این پاهای، با اون چنگ

چون که می‌گه به جز من              هیشکی دیگه نیست قشنگ

(شعر خرچنگ پُرو)

و برای ارج نهادن به صفاتی چون مهربانی و قدردانی از زحمات دیگران، ماجرای مورچه‌ای را روایت می‌کند که باغبان شده است و گل می‌کارد:

مورچه شده باغبون                      گل می‌کاره تو گلدون

گلدونا رو می‌چینه                      کنار هم تو ایوون

بوی گُلا می‌پیچه                      توی محل و کوچه

پروانه داد می‌زنه                      خسته نباشی مورچه

(شعر مورچه باغبون)

در حقیقت، شاعر به جای استفاده از بیان مستقیم، برای آموزش رفتارهای صحیح و نصیحت کردن و پند دادن به مخاطب، این آموزش‌ها را در قالب رفتار حیوانات، به شکل غیرمستقیم و شاعرانه نشان می‌دهد.

### ۳- شعر - قصه‌های کوتاه

شعر - قصه‌ها، همان سروده‌هایی هستند که داستان یا ماجرابی را در قالب شعر روایت می‌کنند. خردسالان معمولاً از این گونه شعرها بسیار لذت می‌برند. در این سروده‌ها، عناصری از قصه نظیر شخصیت، حادثه و... در کنار عناصری از شعر چون وزن و قافیه و خیال حضور دارند. کودک می‌تواند از ابتدا تا انتها با داستان شعر همراه شود و به راحتی آن را به خاطر بسپارد.

در کتاب «خروس کلامخملی»، چندین شعر از این دست می‌بینیم؛ شعرهایی که هر یک ماجرا یا داستان بسیار کوتاهی را روایت می‌کنند. این کوتاهی و انسجام، دقیقاً متناسب با روحیه و گروه سنی مخاطب است. در شعر خروس کلامخملی، ماجرا از آن‌جا آغاز می‌شود که خروس داد می‌زند:

کی بود که پا رو بال جوجه‌ام گذاشت؟

گربه (که ظاهراً این کار را کرده) فرار می‌کند و در گوشه‌ای پنهان می‌شود. موش‌ها هم از این

که گربه ترسیده و فرار کرده، خوشحال می‌شوند:

گربه دوید و مثل موش قایم شده

یادش نبود که پنجه‌های تیز داشت

موش موشکا ریز و ریز و ریز خندیدند

گربه را دیگه اون ورا ندیدند

(شعر خروس کلامخملی)

یا در شعر «شیرخوار»، بچه شیر که گرسنه است، منتظر مادرش نشسته تا برایش شیر بیاورد.

سرانجام، شیر کوچولو با خوردن شیشه شیر، سیر می‌شود و با لالایی مادرش به خواب می‌رود.

همین طور در شعر «کلاغ گریان» هم ماجرای کلاغی روایت می‌شود که به خاطر آلودگی هوا و

تیرگی آسمان گریه می‌کند:

گریه می‌کرد زار زار

کلاغی روی دیوار

چی کار کنم من چی کار؟

می‌گفت هوا کثیفه

چه جوری پرواز کنم      تو این هوای پُر دود  
ای آسمون تیره      بارونتو بیار زود  
(شعر کلاغ گریا)

ابر کی بود که صدای کلاغ را می شنود، به خاطر او شروع به باریدن می کند و هوا پاکیزه می شود. کودک می تواند با خواندن این روایت ساده با شخصیت های حاضر در شعر هم ذات پنداری کند، خود را در موقعیت و جایگاه آنها قرار دهد و علاوه بر این، از طریق همین داستان ها، نسبت به جهان پیرامون خود شناخت و آگاهی بیشتری کسب کند و با برخی مفاهیم نیز آشنا شود.

#### ۴- طنز

طنز و بذله گویی برای کودکان بسیار لذت بخش است. شعرهایی که از عنصر طنز بهره می برند، نوعی شادی و نشاط و هیجان در کودک ایجاد می کنند. کودک پس از خواندن شعر، با کشف آن بخش از شعر که خنده دار و طنزآمیز است، لذت می برد. این لذت حتی در شعرهای بی معنی و مهمل نیز از رهگذر طنز موجود در الفاظ بی معنی و جملات بی ربط پدید می آید و در شعرهای جدی تر، معمولاً در پایان شعر، با کشف یک نکته طنزآمیز یا یک سوء تفاهم یا اشتباه ایجاد می شود. به عنوان مثال، در شعر «گربه تنبل»، طنز در بخش پایانی شعر به چشم می خورد:

معلمش داد می زنه      هوار و فریاد می زنه:  
اگه تو بشی رفوزه      باید بری تو کوزه  
گربه این آرزوشه      چون که تو کوزه موشه  
(شعر گربه تنبل)

و یا در شعر «خرگوش خیاط»، وقتی لباس فیل و مورچه آماده می شود، شلوار فیل خلاف میلش گشاد و دامن مورچه تنگ درمی آید:

لباس هر دو تاشون      حالا شده آماده  
دامن مورچه تنگه      شلوار فیله گشاده!

وجود «مورچه و فیل» به عنوان دو موجود متضاد، خود یکی از عوامل طنزآمیز شعر است. این طنز در تصویرگری کتاب هم نمود یافته است: به ویژه در بخش هایی که حیوانات لباس هایی شبیه آدم پوشیده اند. مثلاً بچه شیر پوشک دارد؛ گربه کفش کتانی ساق دار و خروس کت و شلوار و کمر بند و الاغ پایبونی روی موی سر خود.

## ۵- دلایلی برای دوست نداشتن!

با همه نقاط مثبتی که درباره کتاب «خروس کلاه مخملی» برشمردیم، چند نکته مهم را باید به عنوان نقاط ضعف کتاب ذکر کنیم:

نکته اول: کیفیت نامناسب چاپ تصاویر کتاب که سبب شده برخی از تصاویر مات و سایه‌دار باشد، یکی از نقاط ضعف کتاب است. گذشته از آن، گویا تصویرگر قبل از خواندن شعر به صورت دقیق و کامل، تصاویر را کشیده است؛ چرا که ناهماهنگی در برخی صفحات، میان شعر و تصویر مربوطه وجود دارد؛ این نکته هنگامی بیشتر اهمیت می‌یابد که بدانیم کودکان گروه سنی «الف» و «ب»، قبل از خواندن متن، آن را با تصویر مقایسه می‌کنند و حتی در تصویر به دنبال جزئیات گفته شده در شعر یا متن می‌گردند.

در شعر «خرس خوابالو» می‌خوانیم:

خرس سیاه تنبل                      نه کفش داره نه صندل

در شعر از «خرس سیاه» نام برده شده، در حالی که تصویر مربوط به آن، خرسی قهوه‌ای را نشان می‌دهد! حال تصور کنید که کودک در مرحله یادگیری رنگ‌ها هم باشد. آن وقت حتماً با دیدن این تصویر و خواندن این شعر، دچار سرگردانی می‌شود.

نکته دوم: می‌دانیم که در شعرهایی که برای کودکان گروه سنی پایین، مثل «الف» و «ب» سروده می‌شوند، «زبان» در درجه بالایی از اهمیت قرار دارد. کودکان در این سنین، در حال یادگیری زبان هستند. آنها زبان محاوره را کم‌کم و از طریق گفت‌وگوهای روزمره می‌آموزند و با ورود به دوره‌های پیش دبستان و دبستان، از طریق کتاب‌های درسی و شعرها و قصه‌هایی که می‌خوانند، با زبان رسمی و معیار هم آشنا می‌شوند. نویسندگان و شاعرانی که برای این طیف از مخاطبان می‌نویسند، مسئولیت سنگینی بر دوش دارند؛ چرا که باید الگوی صحیح و مناسبی از زبان به مخاطبان خود ارائه دهند.

برخی شاعران از زبان محاوره که ساده‌تر و قابل درک‌تر برای کودکان است، استفاده می‌کنند، که گروهی از محققان معتقدند در این راه باید با احتیاط گام برداشت تا کودک به جای آموختن واژه‌های صحیح و جملات درست، کلمات شکسته و ناقص را فرا نگیرد. گذشته از این امر، ذهن کودک در این دوره، تنها می‌تواند ساختار جملات کوتاه و ساده را درک کند و فهمیدن جملات پیچیده، جملاتی که ارکان آن به ضرورت وزن شعر جابه‌جا شده یا کلمات مخفف یا مشدد شده‌اند

و... برای او دشوار است. در شعرهای کتاب «خروس کلاه مخملی»، گاه به چنین جملاتی برمی‌خوریم.

برای مثال، جملاتی که در آن چند ضمیر به صورت همزمان و در کنار هم به کار رفته است و مرجع ضمایر مشخص نیست. همین نکته، مخاطب را در درک معنای شعر دچار مشکل می‌کند:

گر به دوید و مثل موش قایم شد  
یادش نبود که پنجه‌های تیز داشت  
(شعر خروس کلاه‌مخملی)

در این بیت، مشخص نیست که گر به یادش نبود که خودش پنجه‌های تیز داشت؟ یا خروس یادش نبود که گر به پنجه‌های تیز داشت یا...؟

نکته دیگر در حوزه زبان شعر، کاربرد اصطلاحات رایج روزمره، ضرب‌المثل‌ها یا تکیه کلام‌هایی است که برای بزرگسالان قابل درک است، اما همین اصطلاحات وقتی برای خردسالان به کار می‌رود، باید با دقت نظر و احتیاط ویژه‌ای به کار رود؛ چرا که کودکان معنای بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها را نمی‌دانند و یا با کاربرد آن در زبان آشنا نیستند. مثلاً وقتی شاعر می‌گوید:

شیر کوچولو شیر می‌خواد  
یک شکم سیر می‌خواد  
(شعر شیر کوچولو)

کودک گروه سنی «الف» یا «ب»، به ندرت ممکن است معنای اصطلاح «یک شکم سیر» را بداند. ممکن است او فقط می‌تواند معنای ظاهری تک‌تک واژه‌های این جمله را بفهمد، نه معنایی کلی از مجموع این کلمات برمی‌آید. همین مشکل درباره این ابیات هم وجود دارد:

چه رویی داره خرچنگ  
با این پاها با او چنگ  
چون که می‌گه به جز من  
هیشکی دیگه نیست قشنگ  
آینه بدین به دستش  
تا خودشو ببینه  
شاید که روش کم بشه  
زود سر جاش بشینه

کودک معنای کنایی «سر جای خود نشستن» و «رو کم شدن» را درک نمی‌کند. تنها معنای ظاهری آن را می‌فهمد.

کاربرد برخی بازی‌های لفظی و زبانی نیز در شعر کودک جای تأمل دارد؛ چرا که به عنوان مثال، برای یک بزرگسال، کاربرد جناس «شیر و شیر» لذت‌بخش است، اما معلوم نیست که کودک گروه سنی «الف» یا «ب» هم به همان اندازه از این صفت لذت می‌برد یا خیر:

شیر کوچولو شیر می‌خواد	یک شکم سیر می‌خواد
دلش می‌خواد مامانش	زود زود زودتر بیاد

(شعر شیر کوچولو)

نکته سوم: در شعرهایی که برای خردسالان گفته می‌شود، خوب است از تجربه‌های ملموس و طبیعت زندگی و محیط اطراف آنها سخن گفته شود؛ تجربه‌هایی حسی و قابل درک برای آنها. مثلاً در همان شعر «شیر کوچولو»، کودک به دلیل احساس نزدیکی به بچه شیر و تجربه شیر خوردن و خوابیدن با لالایی مادر، با آن به خوبی ارتباط برقرار می‌کند یا در شعر «گربه سیاهه» که از گربه‌ای تنبل با مشق‌های خط خطی و دیکته‌های پُر غلط گفته می‌شود، باز هم این تجربه برای او قابل لمس و درک است.

در حالی که برخی شعرهای این کتاب، حاصل تجربه‌هایی بزرگسالانه‌اند و از دغدغه‌هایی سخن می‌گویند که اصولاً با دنیای کودک و حال و هوای ذهنی و روحی او فاصله زیادی دارند. به عنوان مثال، آلودگی هوا آن قدر که برای بزرگسالان معضل و دغدغه است، در دنیای کودکان دارای اهمیت نیست (شعر کلاغ گریبان) یا ازدواج الاغ و شتر و شرط گذاشتن الاغ برای شتر در این بخش:

شتر می‌آد کنار او	داد می‌زنه: زنم می‌شه؟
الاغه می‌گه به شرطی که	تو بار من رو بکشی!

(شعر الاغ غمگین)

همین‌طور عینک زدن و ژست گرفتن که شاید برای نوجوان ملموس‌تر باشد تا کودک:

قورباغه عینک می‌زنه	عینک او آفتابیه
رنگا وارنگه عینکش	قرمز و زرد و آبییه
وقتی که عینک می‌زنه	ژست می‌گیره خیلی زیاد
فکر می‌کنه که عینکش	به صورتش خیلی میاد!

(شعر قورباغه عینکی)